

سید وزیرالحسن عابدی
ایران‌شناس درگذشته، پاکستانی

تلفظ ایرانی و لفظ قلم در اشعار امیر خسرو

قسمت دوم

بحث یا های معروف اصلی

زمن بشنو ای دل که خویان چه چیزند عزیزان قومند و قومی عزیزند
سایر قوافی: بریزند، تیزند، ستیزند، گریزند، نخیزند، بیزند (دیوان کامل، ص ۳۲۱، غ ۹۶۰)

گرنظر بر چشم کافرکیش او خواهد فتا د آتشی برعاشق بیخوییش او خواهد افتاد
سایر قوافی: بیش، پیش، تشویش، فریش، کیش، درویش (دیوان کامل، ص ۲۰۲، غ ۵۹۹)

با در نظر گرفتن تلفظ کیش و خویش در غزل فوق کاملاً روشن میشود که کلمات قافیه‌در غزل زیر نیز با او معروف است.

زین خوش پسران و شکل ایشان بیگانه شدم ز جمله خوییشان
سایر قوافی: پریشان، سست‌کیشان، سینه‌ریشان، میشان (دیوان کامل، ص ۳۶۰، ع ۱۲۸۳)
از آئینه، سکنسدری

برون ناخت دیگر سواری دلیر برو نیز شد طرد بازنده چیر

(ص ۶۷)

به اسکندر آمد سوار دلیر گاه شکار خود افکند (۱۶) در پیش شیر

(ص ۶۶)

از دولرانی و خضر خان

فریب رویهان بر شیر میرانند زبان میداد و آن شمشیر میرانند

(ص ۲۵۱)

در ابیات فوق کلمات "چیر" و "شمشیر" کلید مطلب است و روشن میکند که "دلیر" و "زیر" و "شیر" (جانور معروف) نیز با بای معروف است. برای تشخیص تلفظ کلمات دیگر باید ابیات زیر را اضافه کنیم.

از آئینه، سکنسدری

اگر پیل ژرف است و گر گریگ و شیر

صوری کند چون شکم گشت سپر

(ص ۱۵۳)

اگر این ابیات را با ابیاتی که گذشت در نظر بگیریم باید قوافی آنرا درست تشخیص بدهیم و با پای معروف بخوانیم. اگر چه در خود بیت کلمه‌ای نیست که برای این مطلب کلیدی باشد و بهمین علت اینگونه ابیات را ما شاهد نیاورده‌ایم. ولی درینجا بمنظور توضیح این مطلب بطور نمونه آورده‌ایم، برای اینکه وقتی تلفظ شاعر را در یک موردی از موارد تشخیص دادیم معلوم است در موارد دیگر نیز مخصوصاً "در همان اثر یا تا" لیف همان تلفظ خواهد بود تا اقتضای خاصی برای استثناء موجود نباشد.

برای صوت مجهول که در نتیجه ادغام حرکت ماقبل و مصوت بلند مابعد بوجود می‌آید:

تیلی (۱۷) پسری که می‌فروشد تیلیسی (۸۱) از دست و زبان چرب او اواییسی

خالی برخش دادم و گفتم که تلی (۱۹) است گفتا که برو نیست درین تسل تیلیسی

(جواهر خسروی، ص ۵، شهر آشوب ص (رباعی) ۱۴)

در رباعی فوق کلمه تیلی، که قافیه مصراع های یکم و چهارم است، کلمه محلی اردو است با یای تکبیر فارسی و تلفظ این کلمه با پای مجهول است و ماقبل آن مکسور و معنی آن روغن است. ازینجا معلوم است که "ویل" که کلمه عربی است در تلفظ امیر خسرو با ادغام ماقبل و یای معروف بوده که بصورت پای مجهول است و ماقبل آن مکسور و این تلفظ همانطور که در مقدمه این بحث آوردیم از مختصات تلفظ فارسی است در ایران و اگر امیر خسرو این نوع ادغام را در مورد حرف یاء داشته قطعاً "تلفظ متوازی آن را در مورد واو نیز داشته است.

در پایان بحث واو و یای معروف بعمود نیست به بعضی از مختصات دیگر تلفظ فارسی نیز با ذکر شواهد اشاره کنیم که اشتباهاً "جدید تلفقی میشود. یکی از اینها تلفظ حرف ماقبل های مختلفی (۲۰) است در کلماتی مانند گفته، شنبه، نیزه، تحفه، میوه که کسره دارد نه فتحه و این تلفظ جدید نیست، در قدیم نیز وجود داشته و فصیح شمرده می‌شده، چنانکه می بینیم امیر خسرو نیز این تلفظ را دارد که از ابیات مثنوی بسیار فصیح وی "هشت بهشت" (ص ۲۲) حفظ شده.

حرف طفلان زیرک از که و مه پنچشنبه به آمد از شنبه

"مه" معلوم است که با میم گسور است و غیر ازین نیست و "مهتر" و "مهنترین" ازین کلمه بوجود آمده. قافیه این نیز باید با کسره ماقبل های مختلفی باشد، و الا فصاحت شعر خارج از آهنگ هنر سخن سرایی خواهد بود که از یک شاعری که در موسیقی نیز دستگاه کاملی داشته است متوقع نیست. از وی انتظار نداریم در مصراع اول قافیه را بر کسره و در مصراع دوم به فتحه مبتنی سازد، مخصوصاً درین مورد که بنای قافیه حرکت است. امثال این تلفظ را در اشعار استادان

سخن که در شبه قاره شهرت و قبول خاصی دارند میشود نشان داد. از جمله ظهوری است که در ساقی نامه معروف خود که از قرنهای پیش در ادبیات منظوم شبه قاره مورد قبول و ستایش فراوان بوده است بیت زیر دارد:

ز عهد جم ایام زندان بسه است که سال و مه و هفته پرشبه است
(۸ص)

در غزل زیر نیز مصراع عربی: ماجا کل شیء رأساً علی تناده، باکمال وضوح دلالت بر آن دارد که تمام قوافی این غزل با دال مکسور آمده و ازینجا پیداست که امیر خسرو حرف ماقبل‌های مختمی را مکسور تلفظ میکرد، همانطور که در تلفظ امروزه ایران نیز داریم.

ماییم و مجلس می خوبی سه چارساده	من درمیانه پیری دین را بیاد داده
مجلس میان مستان گل با صبا به بازی	نرگس بناز خفته سرو سهی ستاده
خوبان بیاده خوردن من جرعه نوش مجلس	هر جرعه ای که خورده سر بر زمین نهاده
من بیخبر ز ساقی وز چشم من بمجلس	چون جرعه های مستان خون خور بجای باده
ساقی چون زباده مست و خراب می برم	بفرست خشت گورم بستان سفال باده
دایم شراب خونست زان میز ندبه سرخی	آن سیزه کت بر آید گرد لبان ساده
مویت بزلف درهم، نه خاسته نه خفته	چشمش بخواب مستی نه بسته نه گشاده
ز اندم که دید خسرو مستانه خفت و خیزش	ماجا کل شیء رأساً علی تناده (۲۱)
چون راستست آخربانو طریق خسرو	اونا مراد مسکین تو شرح خود مرا ده

(دیوان کامل، ص ۵۱۸، ع ۱۵۶۳)

بحث ضمه فارسی

از مطالب جزئی مربوط به تلفظ ایرانی یکی آنست که ضمه اردو یا ضمه فارسی فرقی دارد. ضمه فارسی را اگر بخواهیم بدون اصطلاحات علمی صوت شناسی بار دو زبانها بفهمانیم باید بگوئیم که ضمه فارسی مانند ضمه ایست که اردو زبانها در موردی تلفظ میکنند که حرف بعدی آن های هوز یا حای حطی یا عین یعنی حروف حلقی باشد. امیر خسرو، برای ما متقن است، فارسی را درست تلفظ نمیکرده که این بیت شاهد آنست:

کن مکن او راست زنو ناکهن هر چه کند کهست که گوید مکن
(قران السعدین، ص ۴)

در اینجا "مکن" را اگر درست تلفظ نکنیم و مانند اردو زبانها ضمه کاف را تخفیف بدهیم درست یا کهن، قافیه نخواهد شد و مجبوریم آنرا درست تلفظ کنیم.

بحث حرکت ماقبل پسوند 'نده'

در تلفظ اردو زبانها ماقبل "نده" در اسم فاعل قیاسی و مشتقات آن کسره است ولی در تلفظ

فارسی فتحه که امروز آنرا فارسی دانان شبه‌فاره از مختصات تلفظ جدید ایران میدانند، در حالیکه این تلفظ نیز از قدیم همین طور است و در اشعار سخنوران فارسی در ایران و پاکستان و هند حفظ شده است. امیر خسرو نیز همین تلفظ را داشته و در هیچ موردی در اشعار وی دلیلی بر خلاف این نیست. در مثنوی قران‌السعدین دارد:

ای صفت بنده نوازندگی از تو خدایی و زما بندگی

بحث نون مابعد مدیات بلند

حالا میماند استشهاد از اشعار امیر خسرو برای اثبات آنکه پس از حرف مدی مدیات نون آخر کلمه در حالت سکون در تلفظ وی نون غنه نبوده، بلکه همانطور که در آغاز مقاله حاضر یادآور شده‌ایم اعلان داشته است و مدی مدید که ماقبل آنست در تقطیع عروضی ساقط و از لحاظ صوت شناسی بدون اشباع بوده است. وی در دیوان وسط‌الحویة چاپ علیگر قصیده‌ای دارد در بحر مثنی مخبون مقصور با قافیه الف و نون که مطلعش اینست:

رسید کوبه آفتاب در سرطمان سحاب گشت بروی زمین ستاره فشان
(وسط‌الحویة، ص ۸)

ضمن آن آورده:

خدای خالق عقل از کمال قدرت خویش خبر همی دهدت کل من علیها فان
و این بیت نیز:

مهبین سلاله توئی از سلاله من طین مهبین گهر که توئی کان کائنا من کان
(ایضا، ص ۱۳)

در قصیده مزبور رکن فعلن در آخر بحر و وزن آن از مطلع تا مقطع مراعات شده و این رکن از یک طرف و کلمات آیه مبارکه قرآنی "کل من علیها فان" و همین طور کلمات عربی "کان کائنا من کان" از طرف دیگر به هیچ وجه اجازه نمیدهد که الف‌های آخر را که ماقبل نون‌های آخر قوافی است با شباع بخوانیم یا نون‌های آخر را با اعلان تلفظ نکنیم و هر یک از اینها را نون غنه قرار بدهیم، آنطور که در تلفظ اردو زبانهاست، برای اینکه این دو قافیه "فان" و "کان" حتی در تلفظ اردو نیز اعلان نون خواهد داشت. "فان" بمعنی فانی بدون اعلان نون معنی ندارد و جزو آیه مبارکه قرآنی است که باید درست خوانده شود و در حالت وقف نیز نون "فان" اعلان دارد. همینطور "کان" در "کان کائنا من کان" فعل ماضی است و در شعر فارسی بصورت قافیه ممکن است ساکن خوانده شود، ولی محال است مخصوصاً در این سیاق با نون غنه تلفظ شود. از اینجا معلوم است که تمام قوافی در این قصیده اعلان نون دارد و همانطور که در تلفظ فارسی امسروزه ایران نیز داریم مدیات بلند که ماقبل این نونهاست بدون اشباع است و در تقطیع ساقط و همینطور است در قصیده دوم: بر آن می‌داردم همت که از خود در کشم دامان (نقوش خیال،

ص ۳۸)، که این مصراع را دارد: یگو یا حی ویا قیوم و یا حنان و یا منان و منان را نمیشود با نون غنه خواند.

پیوست ۱: اصطلاحات

اصطلاحاتی که درین جزوه بکار رفته با در نظر گرفتن هدف علمی در مباحث آن و سهولت عموم خوانندگان فارسی دان اساساً از علم هجای رسمی گرفته شده که در کتابهای دستور زبان و فرهنگها مورد استفاده است و در اینجا می‌خواهیم از نظر صورت شناسی این اصطلاحات را شرح بدهیم.

اصطلاح رسمی علم هجا	حقیقت و مصداق آن از نظر صوت شناسی
۱- واو معروف که ماقبل آن مضموم است (در فارسی و اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{u}
۲- واو مجهول که ماقبل آن مضموم است (در فارسی و اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{u} یا مصوت ترکیبی بادغام از لحاظ فارسی
۳- واو مجهول که ماقبل آن مفتوح است (در اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{u} , \bar{u} یا مصوت ترکیبی بادغام از نظر فارسی
۴- یای معروف که ماقبل آن مکسور است (در فارسی و اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{y}
۵- یای مجهول که ماقبل آن مکسور است (در فارسی و اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{y} یا مصوت ترکیبی بادغام از لحاظ فارسی
۶- یای مجهول که ماقبل آن مفتوح است (در اردو)	مصوت ساده بلند یا مدی بلند: \bar{y} , \bar{y} یا مصوت ترکیبی بادغام از نظر فارسی

پیوست ۲: نشانه های صوتی

که درین جزوه بکار برده شده نشانه هائیکه در کتابهای دستور زبان و فرهنگها معمولاً بکار می‌رود و نسبت به علامت های بسیار دقیق که در صوت شناسی و الفبای صوتی بین المللی است ساده تر و مانوس تر است و ما بهمین علت از آوردن نشانه های فونتیکی دقیق درین جزوه صرف نظر کرده ایم و گذشته ازینکه این نشانه ها بفرنج و مخصوص بحث های علمی صوت شناسی است دارای چندین دسته هم هست که باهمدیگر فرق دارد و سیستم های فونتیکی مختلف با همدیگر متفاوت است و آوردن آنها درین جزوه که مقصود و منظور آن تسهیل کار است در درک مطالب کلی مربوط به تلفظ فارسی مصداق تعریف مجهول بالمجهول را پیدا میکند.

یادداشت

همانطور که در فوق تذکر دادیم ما اصطلاحات رسمی را بکار برده‌ایم. مثلاً "درین جزوه در بحث تلفظ‌های مختفی گفته‌ایم که حرکت ماقبل‌های مختفی مکسور است یا آنکه‌های مختفی علامت حرکت پاکسره ماقبل است، درحالیکه از نظر صورت شناسی‌های مختفی و کسره ماقبل یا حرکت ماقبل آن دو چیز نیست بلکه اینها اسمی همان یک مسامت مثلاً: e درمورد کسره.

مآخذ

(کتابهاییکه درین مقاله از آنها استفاده و صفحات با اوراق آنها یاد شده است)

(۱) دواوین خسرو.

۱- بقیه‌نقیه، منتخبات - جزو کلیات عناصر دواوین خسرو، چاپ نولکشور، کانپسور (هند)

۱۹۱۶م.

۲- تحفة الصفر، ایضاً.

۳- جواهر خسروی (لثالی عمان)، بتصحیح رشید احمد سالم و محمد امین عباسی، علیگر،

۱۹۱۸م.

۴- دیوان کامل امیر خسرو، با مقدمه استاد بزرگوار آقای سعیدنغسی و بتصحیح آقای م. درویش، چاپ تهران، ۱۳۴۳ ه. ش.

۵- غرة الکمال، منتخبات - جزو کلیات عناصر دواوین خسرو، مذکور بشماره یک درین

فهرست.

۶- نقوش خیال، مشتمل بر قصاید غرة الکمال بتصحیح دکتر غلام حسین خان نیازی، نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور بشماره Pi VI-328.

۷- نهاية الکمال نسخه خطی بشماره خطی A Pi/VI 32 B مضبوط در کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور.

۸- وسط‌الحیوة، منتخبات - جزو کلیات عناصر دواوین خسرو، مذکور بشماره یک درین

فهرست.

۹- وسط‌الحیوة، دیوان - چاپ علیگر، سال چاپ را ندارد. در مقاله حاضر از یکسری از قصاید دین دیوان استفاده و برای مراجعه صفحه این چاپ یاد شده است.

برای تصحیح متن شواهدی که در مقاله حاضر از مآخذ فوق گرفته شده از نسخه‌های خطی زیر استفاده شده است.

یک - کلیات عناصر دواوین خسرو، بشماره A pi VI-31 مضبوط در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، که در فهرست کتابخانه بعنوان دیوان بقیه‌نقیه معرفی شده و کتابت آن بظا هر در قرن دهم هجری بوده است.

دو - دیوان امیر خسرو، جزو مجموعه دواوین شماره Pi VI-40 مضبوط در کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور، که در قرن نهم هجری کتابت شده.

سه - دیوان وسط‌الحیوة ناقص الآخر در کتابخانه شخصی نگارنده که در قرن دهم هجری کتابت شده است.

(ب) مثنویات خسرو.

۱- آئینه سکندری، بتصحیح محمد سعید احمد فاروقی، علیگر، ۱۹۱۷م.

۲- تعلق‌نامه، بتصحیح سید هاشمی فرید آبادی، حیدرآبادی، ۱۹۳۳م.

- ۳- دولرانی و خضر خان، بتصحیح رشید احمد انصاری، علیگر، ۱۹۱۷ م.
 - ۴- شیرین و خسرو، بتصحیح علی احمد خان اسیر، علیگر، ۱۹۲۷ م.
 - ۵- قران السعدین، باهتمام محمد اسماعیل میرنهی و سید حسن برنی، علیگر، ۱۹۱۸ م.
 - ۶- مجنون و لیلی، بتصحیح محمد حبیب الرحمان خان شروانی، علیگر، ۱۳۳۵ هـ.
 - ۷- مطلع الانوار، محمد مقتدی الرحمان شروانی، علیگر، ۱۳۴۴ هـ.
 - ۸- مفتاح الفتوح، بتصحیح پرفسور شیخ عبد الرشید، علیگر، ۱۹۵۴ م.
 - ۹- نه سپهر، نسخه خطی قرن یازدهم هجری، بمشاره Spi VI 24 F در کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور.
 - (نسخه چاپی نه سپهر بتصحیح آقای دکتر وحید مرزا و دیگری چاپ یسین علی نظامی نیز وجود دارد).
 - ۱۰- هشت بهشت، بتصحیح سید سلیمان اشرف، علیگر، ۱۹۱۸ م.
- (ج) نشر خسرو.

- ۱- خزاین الفتوح، بتصحیح معین الحق، علیگر، ۱۹۲۷ م.
- ۲- دیباچه دیوان غرة الکمال، چاپ یسین علی نظامی، دهلی، ۱۳۳۲ هـ. ق.

(د) سایبر مآخذ.

- ۱- حیات حضرت امیر خسرو، تألیف خان بهادر نقی محمد خان خورجوی، کراچی، ۱۹۵۶ م.
- ۲- ساقی نامه ظهوری، چاپ نولکشوری، ۱۸۷۶ م.
- ۳- کلیات امیر حسن سجزی، بتصحیح مسعود علی محوی، حیدرآباد، ۱۹۳۳ م.
- ۴- Life and Works of Amir Khusrau
- تألیف دانشمند بزرگوار معاصر آقای دکتر محمد وحید مرزا، چاپ دوم، لاهور، ۱۹۶۲ م.
- ۵- المعجم فی معایر اشعار العجم بتصحیح علامه محمد قزوینی و آقای مدرس رضوی، تهران، ۱۳۱۴ هـ. ش.

(کتابهایی که با آنها از نظر احتیاط مراجعه شده ولی اخذ و اقتباسی از آنها درین مقاله مورد احتیاج نبوده است).

- ۱- اعجاز خسروی (رسائل امیر خسرو)، دو مجلد، چاپ نولکشور، ۱۸۷۶ م.
- ۲- افضل الفوائد تألیف امیر خسرو، دهلی، ۱۳۳۲ هـ.
- ۳- براهین العجم فی قوانین العجم، تألیف احمد سپهر کاشانی، تهران، ۱۲۷۲ هـ. ق.
- ۴- نهاية الکمال، چاپ یسین علی نظامی، دهلی، ۱۳۳۲ هـ. ق.

حواشی و یادداشتها

- ۱۶- " افگندن وافگن " در متن چایی با کاف فارسی آمده ولی معلوم نیست امیر خسرو این کلمات را با کاف تازی تلفظ میکرده یا با کاف فارسی. اولی در ایران کثیر الاستعمال و دومی محلی بوده